

بافته پندارنده شماسست ۱۰ با شنیدن عنوان تبار هند و اروپائی و آریائی دهانشان آب افتاد ۱۱ و شروع به عرض اندام و قلمفرسائی ۱۲ کرد ۱۳ اند و این خوش باوری و دل بستن به این پندار نژادپرستانه ، سر آغاز نوشته ها و نظریه پردازیهائی شد ۱۴ همگون و نشانگر یک روی سکه است و رویه دیگر آن در ابهام نهان است.

باز گوئی و تکرار این پندار، به آنجا منتهی گشته است ۱۵ مردم شوخ طبع آذربایجان این تشبثات مستمر را "آرگا ۱۶ نمد مالی" نام داد ۱۷ اند و هر نوشته ای از این قبیل ۱۸ از "آرگا ۱۹ نمد مالی" در آید تکلیفش را بر همگان هویدا ست .

شما در ردیف و سلسله مراتب این آتش بیاران معر ۲۰ و آرگزاران "آرگا ۲۱ نمد مالی" از واپسین ۲۲ سانی هستید ۲۳ گفته ها و نوشته های اسلاف خود را تکرار ۲۴ اید و این چه بسا از این رهگذر باشد ۲۵ نخواستہ اید بعنوان دارنده ۲۶ یک "فصلنامه آریا شناسی! می بخشید ایران شناسی" از اقران و همباوران خود واپس بمانید.

منتها ، از نا سازگاری روزگار ، شما مطالب خود را در شرایطی عنوان ۲۷ کرد ۲۸ اید ۲۹ دیگر دیر شده و ۳۰ آر از آر گذشته است، به آن برهان ۳۱ شما اگر اشرافی به آنچه ۳۲ در همین ۲۰=۱۵ سال انجام گرفته میداشتید ، متوجه می شدید ۳۳ که اخیرا انبو ۳۴ روشنفکران و اندیشمندان آذربایجان ایران در زمینه هویت شناسی تاریخی و اتنیک و ۳۵ ی بود و چی بود آذربایجان و آذربایجانی در پژوهشهای ژرف و واقع گرای علمی و مستند خود انجام داد ۳۶ اند و مسائل و موارد را مدلل و شفاف ساخته اند،

مسلمما شما و همباوران یکه تاز شما اگر آدمهای منصف و متعادلی بودید اذعان و اعتراف میداشتید ۳۷ که آذربایجانی برای شناخت هویت خود به وصی و دایه

مهربانتر از مادر نیاز ندارد و نخواهد داشت و به ۳۸ سی هم حق نمیدهد ۳۹ که در این بار ۴۰ دایه مهربانتر از مادر باشد. انون مسئله به خویشتن برگشتن و خود را شناختن و جایگاه ۴۱ انسانی خود را در قافله بشری مشخص و روشن گردانیدن است و می رود ۴۲ به صورت یک ضرورت تاریخی در آید و در همین مدت، نه تنها در محدود ۴۳

دانشگاههای آذربایجان و محافل فرهنگی علمی و به ویژه مطبوعات پیشرو، همچنین در دانشگاههای خارج از محدود آذربایجان مادرهای علمی و آگاه اندیشان در مسائل قوم شناسی و زبانشناسی و برخورداری از حق و حقوق مدنی و همشهریگری یکسان و همگون و بهره گیری از تمام مواهب در راس آن تعمیم و تدریس زبان مادری و گسترش همه جانبه فرهنگ و مدنیت و همچنین پافشاری و تائید بر اجرای سیستم فدرالی یکی از لوازم تحقق دموکراسی در کشور است، با عنایت و در نظر گرفتن ویژگیهای ساختاری و سنتی جامعه ایران در مقیاس گسترده و همه گیر مطرح است. بررسی این مقالات می تواند همه آنان را از دیدگاه تک بعدی آریا تباری و شوونیسیم به مسائل قوم شناسی و رجحان و برتری یک خلق به خلقهای دیگر می نگرند و هموار یک روی سکه را منظور دارند، اگر به حسن نیت و منطق و برهانی معتقد باشند، در برخورد با مسائل نه به صورت داوری ذهنی و بیما رگونه، بلکه بصورت عینی و آنچه رخ داد ارزیابی و داوری کنند و بنا بر این هم آقای جلال متینی و همباوران ایشان را فرض است آثار و نوشته های بیدار دلان و اندیشمندان آذربایجان را بخصوص آنچه در ۱۵ سال اخیر در رابطه با مسائل تاریخی و اتنیک و زبان و فرهنگ منتشر شد با امعان نظر بررسی کنند چون حقایق امر چه بسا نه آنچنان باشد آقایان می پندارند. با وجود این توصیه، می خواهم در فرصتی که پیش آمد به چند مسئله مبهم و مباحثه انگیز اشاراتی کرده باشم:

ایران و آریا تباری

سرزمین نونی ایران، در طول ما قبل تاریخ و ما بعد تاریخ پر نشیب و فراز خود، دو ویژگی استثنائی داشته که نخستین آن متغیر و ناپایدار بودن مرزها و حدود و ثغور آن و ویژگی دوم کوچ و اسکان متمدنی طوایف و قبایل و اقوام بود که در برهه های تاریخی متفاوت و غالباً از سوی شرق به این خطه روی می آوردند و در مناطقی به فراخور شرایط اقلیمی مساعد و وجود آب و آبادانی و مراتع و جنگلها و احیاناً شکارگاه

اتراق می‌گردند و باگذشت زمان بومی این آب و خاک می‌شدند. البته حساب اینان با حساب آنها به قصد قتل و غارت و تاراج می‌آمدند و بعد از انجام این اعمال، به جائیکه آمد بودند بر می‌گشتند جدا است. آریائیه در رد بند قومی در آثار تاریخ نگاران غربی از تیر هندو اروپائی شناساند شد اند، وچ آنها در دوران نامعینی از قرون ما قبل تاریخ رخ داد از هیچ‌حیث به قبایل و اقوامی قبل یا بعد از آنها آمد، مزیت و برتری نداشته اند و بسان دیگر قبایل و اقوام هیچ شاخص و مزیتی نشانگر برتری و تافته جدا بافته بودن آنها باشد، در بین نبود است و آنها نیز مانند سایرین با سر پوشهائی از پوست خام شکار و تن پوشهائی از پوست گوسفند و پای افزارهائی از پوست خام گاو یا اسب و احیاناً چادرها و آلاچیقهای اولیه و ابزارها و آداب و رسوم خود را نیز همراه داشته اند.

بعد از جنگ جهانی اول، یکی از بزرگترین رخدادهائی در دنیا اتفاق افتاد. انقلاب سوسیالیستی در روسیه بود که موجب دگرگونی استراتژی سیاسی انگلستان، بخصوص در شورهای همجوار روسیه گردید. امپریالیسم انگلستان به قول معروف خورشید در مستعمرات او غروب نمیکرد، و شید در شورهای مجاور شوروی از فنلاند گرفته تا چین، حکومتهای دیکتاتوری متکی به میلیتاریسم به شعار وحدت ملی پشتیبانی می‌شد، به وجود آورد و در تطبیق این سیاست در ترکیه مصطفی مال (آتاتورک با نگرش پان ترکیستی و در ایران رضاخان به یاری ایادی سر سپرد انگلستان بخصوص اردشیر جی ریپورتز از پارسیان هند که بعد از ۱۳۰۰ سال به یاد وطن آریائی افتاد و برای تمشیت امور و نفوذ در رضاخان و دیگر دولتمردان بی سروصدا در تهران سکنی گرفته بود، برگزار گردید و برنامه

پراز مهر شاه است ماراروان، بدین داریم شاهاتوان،

جاوید باد اسرتاجدار، خجسته براوگردش روزگار...."

بهمراه خود تراژدی ملت واحد، زبان واحد، طرز نگرش واحد و نفی هر نوع دموکراسی و پلورالیسم را به همراه آورد و در این مرحله جالب اینکه با روی کار آمدن رژیمهای فاشیستی و اشاعه طرز تفکر ارتجاعی و ستمگرانه نژاد بر تروهیاهوی آن در اروپا، رضا خان را که میرفت خود را ناجی ملت بخواند، به سوی آلمان هیتلری گرایش داد و تخم ضد انسانی شوونیزم آریا نژاد برتر را آبیاری کرد و ایران از نظر فکری و نگرش و سمپاتی زیر چتر تبلیغاتی آلمان نژاد پرست قرار گرفت. بطوریکه هنگام اشغال ایران در جنگ دوم جهانی که هواپیماهای آنها در آسمان پیدامی شد، مردم ساده آنها را هواپیماهای آلمانی می پنداشتند و اظهار خوشحالی میکردند که آلمان میاید و یکی از پسران رضا شاه هنگام سوار شدن به ششستی تبعید گفته بود: ما میرویم ولی وقتی آلمانها آمدند بر میگرددیم!.... ایران در دهه دوم سلطنت رضا شاه جولانگاه آلمانها شد بود. در سالهای اقتدار رضا شاه که مشیرالدوله کتاب پر حجم خود را درباره ایران باستان می نوشت، آدمی بنام سیف آزاد هم یک روز نامه هفتگی با چاپ و اغذ ممتاز بنام ایران باستان می نوشت که قسمت عمده صفحاتش به تعریف از رژیم نازی و عکسهای پر طمطراق سان و رژ ارتش آلمان اختصاص داشت. خشونت، انحصار طلبی، نفی و تحقیر مردم غیر فارس و انکار موجودیت و تزییع حقوق طبیعی و مدنی آنها ادامه یافت و شونیستهای آریایی نسب با استفاد و بهره گیری از امکانات فراتری که در اختیار داشتند به آسیمیلاسیون خلقهای غیر فارس دست یازیدند و زبان را به جای چماق به کار گرفتند، کسی نتوانست از آنها بپرسد شما که خود را از تبار مادها و پارسها میدانید وقتی آنها به اقتدار رسیدند و ججا این رفتار ضد بشری را داشتند که خلقهای زیر سلطه خود را از سخن گفتن به زبان مادری باز دارند، یا برای آسیمیله کردن اقوامی که زبان و آداب و رسوم متفاوتی داشتند آنها را تحت فشار و اجبار قرارداد باشند؟!.

آذربایجانی ترک تبار است

آیا مردم آذربایجان امروزی **ت** به تر **ت** می **ت** نند و حاصل احساس و ادراک و نگرش خود را در این زبان بیان میدارند ترک تبارند یا تبار دیگری از همان نوع آریائی دارند؟ نه تنها **ت** شریب قریب به اتفاق سکنه سرزمینی **ت** امروز **ت** آذربایجان خواند **ت** می شود، همچنین تمام ترک زبانانیکه در محدود **ت** ایران بطور انبوه **ت** یا پرا **ت** نند **ت** تر **ت** می تکلم میکنند، ترک تبار هستند و آن آمیختگی و آشفتگی **ت** در آریائی تباران متکلم به زبان فارسی به چشم میخورد، در آنها وجود ندارد و اگر نمونه آریاتبار آن قبایل و اقوامی را **ت** در دورانهای مختلف تاریخی از شمال یا شرق به فلات قاره **ت** ایران آمد **ت** اند نتوان از لحاظ نمود ظاهری و پسیکو لوژیک نشان داد، در میان ترک تباران امروزی این نمونه ها حی و حاضرند و تصویر برجسته آنها را در تاریخ و ادبیات میتوان نگریست. اثر زیبای محمد بهمن بیگی از روشنفکران قشقائی، چشم انداز جالبی از زندگی و باورها و آداب و رسوم قشقایبها را ز **ت** نند **ت** و جاندار تصویر میکنند و اینکه من شک دارم **ت** ایشان قبل از نوشتن اثر خود "داستانهای دد **ت** قورقوت" یکی از شاهکارهای فولکلوریک ترک تباران را **ت** پیوند عمیق و ناگسستنی با فولکلور ترک تباران آذربایجان دارد، خواند **ت** باشد، با وجود این، نوشته ایشان فضای داستانهای دد **ت** قورقوت را ز **ت** نند **ت** میکند. صحبت داستانهای دد **ت** قورقوت پیش آمد و این مرا بر انگیخت تا مادامیکه نمیتوان از اهمیت این شاهکار بدیع به لحاظ تنگی مجال اینجا سخن راند، ولی میتوان پاراگرافهایی از پیشگفتار آن در بار **ت** چشم انداز شناخت ترک تباران آذربایجان نقل **ت** رد.

در بار **ت** داستانهای دد **ت** قورقوت

داستانهای دد **ت** قورقوت **ت** در جهان فرهنگ و ادب ترک زبان به عنوان یکی از آثار زیبا و جاودانی زبان تر **ت** می و شاید زیباترین آنها شناخته شد **ت** است، در شمار و نائق فولکلوریک بی همتا است **ت** ه قرنهای پیش از این **ت** سوت **ت** متابت پوشید **ت** و بمانند گوهر نیایی به عصر ما انتقال یافته است. قدمت و اصالت **ت** م نظیر داستانهای دد **ت** قورقوت،

این شاهکار فولکلوریک خوشرنگ و نگار را به صورت لاله های وحشی و هساران جلو میدهد و هیچگونه دست تکلف و تصنع بر آن راه نجسته و صفا و سادگی و صراحت سحرانگیز آن بر جای مانده است. داستانهای دده قورقوت با شیوه ای بدیع و برداشتی حماسی و شورانگیز، صحنه ها و پرده های از دور نمای زندگی حماسه آمیز و ماجراهای پر شور گروهائی از چادر نشینان پر ماجرا را در دورانی از تاریخ به سر زمین امروزی آذربایجان راه جسته و به مرور به پهنه تاریخ پر حوادث این دیار پیوسته اند، بازگو میکنند. مردان و زنانی که در تکوین صحنه ها و پی ریزی شالوده داستانهای دل انگیز دده قورقوت شرکت دارند، دلاوران بیباک و گردنکشی از اقوام اوغوز هستند که به حالت نیمه عشیری و به انکای روال حشم داری در پناه چادرهای الوان و بر گرده اسبان تیز پای به سر می برند. اینان به اقتضای شرایط و احوال دورانی که به آن تعلق دارند، جنگاوری و مردانگی را از هر افتخاری برتر می شمردند و در راه تحقق نهادها و رسومی که به آنها دل بسته اند، از هیچ ووشش و جانبازی دریغ نمی دارند. مردمی با سرشت بی غش و روح نا آرام و ماجرا آفرین که از هر گونه نیرنگ و ریا و سالوس بر تبارند. در تنگناها چون توهی استوار بر جای می مانند و به معیارهائی که بر ایشان گرامی است، تا پای جان پاس میدارند. مردمی سرشار از روح زندگی و تحرک که در نهاد خود استعداد بزم و رزم را به یکسان نهان دارند. بی پروا شراب می خورند و دلیرانه اسب میتازند و شمشیر می نوازند.

این مردان و زنان دلیر، که به قصد دست یابی به چراگاههای سر سبز، بمانند قبایل و اقوام دیگر، دشت های آسیای مرکزی را پشت سر گذاشته و به سوی غرب و بخصوص به سر زمین قفقاز و کرانه های دریای خزر راه و هسارها و چراگاههای گستردهای جهت چرای احشام دارد سرازیر میشوند، به همراه چادرهای الوان، گله های احشام، اسبان تیزپای، سازوبرگ رزمی، آداب و رسوم و معتقدات، سجایای قومی و اساطیر و افسانه های خود را نیز به همراه دارند. اینان بعد از استیلا و استقرار در سر زمین جدید،

به فراخور تاثیر شرایط ویژه ای ۱۳ در آن قرار گرفته اند، دگرگونیها و تبدلاتی را در زندگی اقتصادی و اجتماعی و عقیدتی و بالطبع در آداب و رسوم و عقاید و روابط خود می پذیرند.

داستانهای دد ۱۴ قورقوت، حماسه و ماجراهای شکوهمندی است ۱۵ این اقوام در شرایط و عوامل تاریخی و اقلیمی جدید، در شرایط آذربایجان، آفرید ۱۶ اند و از این رهگذر، این دست آوردهای بدیع و زیبا، با تاریخ و زبان و ادب و آداب و فولکلور آذربایجان پیوند خورد ۱۷ است.

این پیوستگی و آمیختگی تا آنجا پیش رفته ۱۸ این داستانها از نظر آرایش و اسلوب و زبان و رخدادهای و روابط، از داستانها و اغوزنامه های اقوام آسیای مر ۱۹ زی بکلی متمایز گشته و آنچنان خصلت و بافت ملی و بومی بخود پذیرفته ۲۰ در ادوار بعدی و پابپای سیر و تحول فولکلور آذربایجان، سر منشا و سنگ بنای داستانهای ملی و حماسی و غنائی این دیار گشته است. بطوریکه با یک بررسی و سنجش اجمالی همانندیها و هماهنگیهای بسیاری را ما بین طرز قالب بندی، اسلوب، شخصیت ها، سجه ها و برداشت های داستانهای آذربایجان ۲۱ متعلق به ادوار بعدی هستند میتوان پیدا ۲۲ کرد.

ترک تبارانی ۲۳ تصویر زند ۲۴ ای از آنان بطور فشرده آورد ۲۵ شد، در تمام ادوار تاریخی و به ویژه ۲۶ از قرن سوم و چهارم هجری، به دلیل دگرگونی شرایط اقلیمی و افزایش جمعیت و اشتغال به حشم داری به صورت انبو ۲۷ به قصد دسترسی به شرایط اقلیمی معتدل و مراتع به سوی شرق روان می شوند و قبل از عزیمت، ریش سفیدان آنها با خان خانان به مشورت می پردازند. خان خانان ۲۸ سمت پیشوائی و رایزنی ۲۹ ایلات و خانان را داشته به آنان گوشزد می ۳۰ نند سر زمینی ۳۱ شما در آن اطراق خواهید ۳۲ کرد قبل از شما فرمانروایان و جنگاوران نام آوری داشته و این مسئولیت با جاگرفتن شما در آن دیار به شما محول است و تکلیف این است ۳۳ شما رسم و رسوم آنها را حرمت

دارید و سلوک عادلانه پیش گیرید و همین خیر خواهیها و نیک اندیشیها بود که سلطنت و فرمانروائی سلسله های ترک تبار و از آن جمله سلاجقه را به میدان آورد که هزار سال به ایران حکومت راندند و مرزهای این سرزمین پهناور را از انطاکیه شام تا رود سند گسترش دادند. این مراتب و حقایق که به منظور پرهیز از اطناب اعلام بطور گذرا به آن اشاره رفت در کتاب و ماخذ تاریخی ثبت است و رفتن به سراغ آنها تنها اندکی حوصله لازم دارد.....

وحدت و استقلال و همبستگی ایران را چه عاملی تهدید می کنند

آنچه محرز و مسلم است وحدت و استقلال ایران را که شوونیزم انحصار طلب ایران را به تشویش و داشته هرگز استقرار خود مختاری یا فدرالیسم متکی به دموکراسی تهدید نمیکند این یک " ضرورت تاریخی " است که در سرزمین تاثیر الخلق ایران می بایست از مدتها پیش نه از روی الگوی اقتباس شد که از این یا آن جمهوری فدرالی، بلکه به اقتضای ساختار قومی کشور و عنایت به ملیه عوامل مؤثر در ایجاد آن تشکیل و ایجاد گردد. خلقهای زیر ستم ایران که اکثریتی بالغ بر دو سوم ساکنان این پهنه دشت را تشکیل میدهند و از آن میان نفوس ترک تباران با سی و چند ملیون بر مردم فارس زبان فزونی دارد، با جرات و قاطعانه میتوان گفت که هیچگونه علاقه و حساسیتی نسبت به استقلال و یا همبستگی با همسایه های هم تبار و هم زبان ندارند. این سرزمین از آن آنهاست و حتی آنها مردم فارس زبان را هم دوست دارند و آنها را عزیز میدارند. چون قرنهای این مردم زندگی مشترک داشته اند، در غم و شادی همدیگر شریک بودند و بسان خلقهای غیر فارس به آزادی و آبادی و آیند درخشان آن پای بند و امیدوار. لکن همه خلقها بر آنچه که در دوران دیکتاتوری رژیم پهلوی گذشته و هنوز هم همچنان ادامه دارد

حساسیت بسیار شدیدی نسبت به تحقیرها و توهینها و ممنوعیت از آموزش زبان قومی و فراتر از همه اعمال سیاست آسیمیلیسیون و وارونه قلمداد کردن هویت قومی و ملی و از این قبیل دارند و ادامه این سیاست ضد بشری و مغایر با مفاد و منشور قوانین حقوق همسان انسانها، دقیقاً آن چیزی است که وحدت و استقلال و همبستگی کشور را تهدید میکند.

در ردیف شانتازها و لجاجتهائی که بعنوان پان تورکیسم و گسستن و پیوستن و این اراجیف عنوان میشود، میگویند آذربایجان دست کم در این یک قرن اخیر سرداران و دلاور مردانی چون ستارخان، باقرخان، حسین خان باغبان و حیدر عموغلی و خیابانی داشته که همه آنها اندیشه آزادی ایران را در نظر داشتند و هیچوقت مسئله مختاریت و فدرالیسم به زبانشان جاری نمی شد. ضمن نشان دادن این قیافه حق به جانب فراموش می کنند که اولاً تصریح به تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی حاصل جانبازی این نیکمردان است که هیچوقت به مرحله اجرا در نیامد. ثانیاً در زمان آنان تحقیر ملیتهای غیر فارس و اعمال آسیمیلیسیون اساساً مطرح نبود و گرنه ستارخان و همه آن دلاور مردان مخ بیمار آریاپرستان خود بزرگ بین را نشانه می گرفتند. چرا نمی خواهید اعتراف کنید که این بیماری خود بزرگ بینی و خود را تافته جدا بافته بودن تصور کردن بیماری مهلکی است و گرفتاریهای امروزی بیشتر ناشی از خود بزرگ بینی "آریا مهربی" است.

نگذارید این مقدس شود. وقتی مقدس شد، تنها می تواند

همان را پیش آورد که شوونیزم آریائی تشویش آن را دارد.

xxxxxxxxxxxxxx

گجیل

<http://Gajil.20m.com>

Gajil